

عنوان مقاله:

تحول نظام آموزشی آکادمیک هنر در تقویت تفکر خلاق و فرآیند ادراک دانشجویان (با تکیه بر رویکرد آشنایی زدایی)

محل انتشار:

مجله رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، دوره 10، شماره 37 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسندگان:

ستاره احسنت - دانشجوی دکتری تخصصی فلسفه هنر، گروه فلسفه هنر، دانشکده هنر و معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

محمدجواد صافیان - دانشیار گروه فلسفه غرب، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

حسین اردلانی - استادیار گروه فلسفه هنر، دانشکده هنر و معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

کیانوش ذاکرحقیقی - دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

خلاصه مقاله:

از جمله وظایف مهم نظام آموزش عالی آکادمیک هنر، افزایش مهارتهای تفکر خلاق در دانشجویان و ایجاد نسبت مناسب آن با فرآیندهای ادراک در آفرینش های هنری بدیع است. در این میان، یکی از متغیر های مهم، چگونگی سازماندهی نظام آموزش هنر در نسبت میان تفکر، خلاقیت و انواع ادراکات انسانی است که با تکیه بر رویکرد آشنایی زدایی می تواند بر ایجاد تحولی هر چند ساده اما عمیق و بدیع در نظام آموزش موثر باشد. هدف این پژوهش ارائه راهکارهای مناسب جهت تنظیم سلسله مراتب مراحل آموزش در هر یک از این سطوح است که به شیوه کیفی و با استفاده از راهبردهای نظریه داده بنیاد صورت پذیرفت. در این راستا سعی بر آن شده است که محورهای اصلی و سطوح فرعی داده ها از طریق تجزیه و تحلیل استقرائی متنی و با تکیه بر کدگذاری باز، نظری و انتخابی انجام گردد. برای به دست آوردن میزان اعتبار روایی و کاربردی داده ها نیز، از تحلیلگران توانمند هنری خارج از محدوده نظریات تئوری درون متنی استفاده شده است. نتایج حاکی از ۳۵ مقوله کلی در ۴ سلسله مراتب ارتباطی است که سیر مطالعه در چارچوب مدل پارادایمی شامل: راهکارهای اولیه، نسبت های ثانویه و سطوح پیامدها ارائه شده است.

کلمات کلیدی:

نظام آموزشی آکادمیک، تفکر خلاق، فرآیند ادراک، آشنایی زدایی، آفرینش هنری

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1912617>

